

## نقش خبر واحد در حوزه علم اصول و اصول تفسیر با تکیه بر آرای امام خمینی (ره)

مرجانہ مهدیزاده<sup>۱</sup>

سید محمد موسوی بجنوردی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

### چکیده

خبر واحد در میان دانشمندان دو حوزه علم اصول و اصول تفسیر از مباحث مورد توجه بوده که قدمت بسیاری دارد و آرای متعددی پیرامون آن طرح شده است. بحث از حجیت خبر واحد و عدم آن، در علم اصول می‌تواند بر فتاوی‌ای یک مجتهد تأثیر گذار باشد، چنانچه بحث از حجیت خبر واحد تفسیری در تفسیر حجیت دارد یا خبر می‌تواند در مبنای مفسر تأثیر گذار باشد. کسانی که حجیت خبر واحد را به دلیل تعبد و سیره عقلاء می‌پذیرند از منابع بیشتری در تفسیر برخوردار هستند و دست بازتری در تفسیر آیات قرآن دارند تا کسانی که خبر واحد را نمی‌پذیرند. بطور کلی با دو دیدگاه در زمینه حجیت خبر واحد تفسیری روبرو هستیم: در یک نظر حجیت خبر واحد را صرفاً مختص به آیات فقهی دارای اثر شرعی می‌دانند که دانشمندی چون شیخ طوسی از این گروه بوده و قائل به حجیت خبر واحد در زمینه‌های دیگر غیر فقهی نیستند؛ دسته دیگر چون آیه الله خویی و فاضل لنکرانی علاوه بر حجت دانستن خبر واحد در مسائل فقهی به حجیت خبر واحد در مسائل غیر فقهی و روایات تفسیری از باب عمومیت سیره عقلا و یا از باب تعبد قائلند. مرحوم امام خمینی (ره) در مباحث اصولی و فقه الحدیثی خود ضمن قبول حجیت خبر واحد بر اساس سیره عقلاء، در مورد حجیت خبر واحد تفسیری، آراء و نظرات مختلفی دارند که با بررسی دیدگاه‌های ایشان به دنبال آن هستیم تا نظر ایشان را در این زمینه طرح و نتیجه‌گیری نماییم.

واژگان کلیدی: حجیت، خبر واحد، روایات تفسیری، سیره عقلاء

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استاد بازنشسته گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

قرآن کریم معجزه همیشه جاوید اسلام به عنوان اولین و مهمترین منبع احکام و معارف الهی به شمار می آید، بر اساس آیات قرآن کریم پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) به عنوان اولین مفسر و تعلیم دهنده قرآن کریم معرفی شده است «یعلمهم الكتاب و الحکمه» (قرآن: ۶۲ / ۲)، با توجه به اینکه معارف الهی و احکام در قرآن کریم بصورت کلی و بطور اجمال بیان شده است، تبیین و تفصیل آن بر عهده پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) و به تبع آن معصومین (علیهم السلام) به عنوان حاملان واقعی قرآن کریم و آشنا به معارف قرآن می باشد. بنا بر حدیث ثقلین تمسک جستن به قرآن کریم بدون اهل بیت به عنوان قرآن ناطق و همینطور تمسک به اهل بیت بدون تمسک به قرآن کریم باعث ایجاد انحراف و ضلالت خواهد بود؛ لذا در تفسیر قرآن کریم، کلام اهل بیت به عنوان یکی از منابع مهم مفسران، مورد توجه قرار گرفته است و جایگاه سنت و حدیث در تفسیر و فهم قرآن کریم غیر قابل انکار است.

با توجه به این نکته که روایات متواتر و خبر محفوف به قرینه قطعی از حجم کمتری نسبت به خبر واحد بر خوردار است و بیشترین حجم روایات را خبر واحد غیر محفوف به قرائن قطعی تشکیل می دهند، بهمین دلیل از مهمترین پرسش های مطرح شده در علم اصول و اصول تفسیر، بحث از حجیت خبر واحد در این دو حوزه می باشد؛ آیا خبر واحد دارای حجیت است؟ آیا خبر واحد تنها در زمینه احکام شرعی حجیت دارد؟ و یا در زمینه هایی غیر از احکام و مسائل عملی، در زمینه تاریخ، مسائل عرفانی و تفسیری... که اصطلاحاً از باب غلبه به آن (روایات تفسیری) گفته می شود، مورد پذیرش قرار دارد؟ بدین جهت اصولین و مفسرین در پی پاسخ به این سوالات برآمده اند و نظرات و آراء گوناگونی مطرح شده است.

## تحلیل مفهومی

## معنای حجیت

کلمه حجیت از ریشه (حجج) به معنی وسیله پیروزی در هنگام محاصره است (فراهیدی، ۱۴۱۴، ذیل کلمه حج) و همین طور به معنای برهان و دلیل، که وسیله غلبه بر دشمن است (ابن منظور، ۱۴۱۳ ذیل کلمه حج؛ جوهری، ۱۳۷۶، ذیل کلمه حج) و همچنین به معنای، ادعای یکی از طرفین منازعه نیز می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵، ذیل کلمه حج). این کلمه در معنای (قصد) نیز بکار رفته است. گاهی نیز از روی توسع، به هر چیز درست و یا نادرستی که در اثبات امری به آن استدلال می شود، حجت می گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ذیل کلمه حج). حجت در اصطلاح علم منطق به مجموعه تصدیقات معلومی که منجر به کشف تصدیق مجهولی می گردد گفته می شود، گاهی هم به (حد وسط) قیاس حجت گفته می شود. (خوانساری، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۳۸؛ مظفر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲) در اصطلاح علم اصول حجت، دلیلی است که متعلق خود را به جعل شرعی اثبات نموده و به درجه قطع و یقین نرسد. چون که قطع خودش حجیت ذاتی دارد بنابراین حجت اصولی نمی تواند شامل قطع گردد. (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۱۲)

## معنای خبر واحد

کلمه «خبر» در اصل به معنای علم است و بعد در معنای آن چیزی که از دیگری نقل می شود بکار رفته است (فیومی، ۱۴۱۴، ذیل کلمه خبر) و همچنین خبر را به معنای گزارشی دانسته اند که به شخصی می رسد و او را از مطلبی آگاه می سازد (زبیدی، ۱۴۱۴، ذیل کلمه خبر) کلمه واحد آن هنگام که صفت برای کلمه خبر واقع می شود به معنای خبری است که راوی آن واحد باشد، اما در ترکیب اضافی (خبر واحد) کلمه واحد، در برابر (متواتر) به کار می رود و شامل هر روایت و خبری است که تعداد روایت آن به حد تواتر نرسد هر چند تعداد راویان بیش از یک شخص باشد؛ به همین خاطر در تعریف خبر واحد بعضی از علماء گفته اند: روایتی است که به حد تواتر نرسیده باشد. (عاملی، ۱۳۶۷، ص ۶۱؛ فضلی، ۱۴۲۱، ص ۸۲؛ مامقانی، ۱۳۶۹، ۱۰۵) بهمین جهت خبر واحد (بر خلاف خبر متواتر) مفید علم نبوده و در نفس قطع و یقین نسبت به آن ایجاد نمی شود.

## اقسام خبر واحد به اعتبار قطع و یقین

خبر از جهت افاده قطع و یقین، به خبر متواتر و واحد قابل تقسیم است؛ خبر متواتر خبری است که راویان آن در هر طبقه به حدی باشند که عاداتاً تواطی همه آنها بر کذب ممتنع و محال باشد و افاده قطع و سکون در نفس کند (عاملی، بی تا، ص ۱۲؛ بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹؛ مدیر شانه چی ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۳) در مقابل خبر متواتر، خبر واحد مطرح می شود که خصوصیات و ویژگی خبر متواتر را دارا نیست و ایجاد قطع و یقین و افاده سکون در نفس نمی نماید؛ به بیان دیگر می توان گفت خبر واحد، خبری است که توانایی نفی کذب از ساحت خود را ندارد چه راوی آن یک نفر باشد یا از طرق متعدد نقل شده باشد.

## تقسیم خبر واحد به اعتبار صفات راوی

خبر واحد بحسب صفات و احوال راوی (عدالت، توثیق، امامی بودن، ...) به حدیث صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم بندی می شود. (مامقانی، ۱۳۶۹، ص ۲۶)

## - نظر شیخ طوسی در تقسیم خبر واحد

شیخ طوسی و سید مرتضی به عنوان دو نفر از شاگردان برجسته شیخ مفید دارای آراء متفاوتی در زمینه خبر واحد هستند. شیخ طوسی در تقسیم بندی اخبار و روایات، آنها را به دو دسته کلی خبر متواتر و آحاد تقسیم می نماید و سپس خبر آحاد را به خبر محفوف به قرینه و غیر محفوف به قرینه تقسیم می کند. خبر محفوف به قرینه، یعنی همراه خبر واحد نشانه و شاهدهی است که با وجود آن علم و یقین را بدنبال خود ایجاد می کند و می تواند مانند خبر متواتر از حجیت برخوردار گردد و در اعتبار آن تردیدی نیست. خبر غیر محفوف به قرینه، به خبری که فاقد نشانه ها و شواهد علم آور بوده که حجیت آن مورد اختلاف علماء می باشد، اطلاق می گردد. (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳)

## - دیدگاه های مختلف در مورد حجیت خبر واحد

در باره حجیت خبر واحد علما به چند دسته تقسیم می شوند:

### - دیدگاه عدم حجیت خبر واحد

ایشان علمایی هستند که حجیت خبر واحد غیر محفوف به قرینه قطعی را در هیچ صورتی نمی پذیرند حتی اگر در زمینه احکام و مسائل شرعی و فقهی مطرح شده باشد؛ دانشمندانی چون سید مرتضی و ابن ادریس را می توان از این گروه بر شمرد ( مظفر، ۱۴۲۱، ص ۳۳۰) زیرا سید مرتضی و ابن ادریس از دانشمندانی هستند که معتقد به انفتاح کبیر در باب علم هستند. مرحوم سید مرتضی معتبر نبودن خبر واحد در نزد علماء شیعه را با بی اعتباری قیاس در نزد آنها مقایسه کرده است و آن را از ضروریات مذهب شیعه می داند. همچنین وی بر بی اعتباری خبر واحد ادعای اجماع نموده و معتقد است علماء شیعه بر این نظر اجماع دارند هر چند که علمای دیگر، بر خلاف ایشان ادعای اجماع نموده اند.

### - دیدگاه حجیت خبر واحد

ایشان دانشمندانی هستند که خبر واحد غیر محفوف به قرینه قطعی را از باب ظن خاص می پذیرند، نظر مشهور در بین اصولیین از زمان شیخ طوسی به بعد، قبول حجیت خبر واحد از باب ظن خاص است که برای آن ادله متعددی از کتاب، سنت، اجماع و سیره عقلاء نقل می کنند.

مرحوم شیخ انصاری در نقد نظر سید مرتضی مبنی بر اجماع علما بر عدم حجیت خبر واحد گفته است: « اجماع مطرح شده از طرف سید مرتضی خود با خبر واحد نقل شده است و با اجماعی که مرحوم شیخ طوسی مطرح نموده متعارض است و شهرت بر خلاف آن است » ( انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۵۳؛ اویسی، ۱۳۹۸، ش ۱۱، ص ۸۶) با دقت و بررسی کتب فتوایی سید مرتضی مشاهده می شود که ایشان خلاف اظهاراتی که در زمینه عدم حجیت خبر واحد داشته اند، به بسیاری از اخبار آحاد عمل کرده اند و بر طبق آن فتوا داده اند یعنی مبنای تعداد قابل توجهی از فتاوی ایشان مبتنی بر اخبار آحاد است ( اخباری که منکر آن هستند) بنا بر این نمی توان گفت و اظهار داشت روایاتی که سید مرتضی به استناد آن فتوا داده همگی موجب علم قطعی بوده است و یا اخباری هستند که محفوف به قرائن قطعی هستند؛ شاید بتوان گفت « نظر سید مرتضی در اجماع بر عدم حجیت خبر واحد، در حقیقت اجماع امامیه بر عدم حجیت خبر واحدی است که راوی و مخبر آن امامی نباشد و موجب اطمینان نگردد» ( بجنوردی، ۱۳۷۱، ص ۳۴)

### طرح دیدگاه تقیه علماء شیعه در بحث حجیت خبر واحد

آنچه که از نگرش به تاریخ زمان علمای شیعه ای که به طور کلی منکر حجیت خبر واحد شده اند به دست می آید، این بزرگان با حفظ تقیه خواستار مبارزه با افکار و اعتقادات نادرستی بودند که بصورت اخبار واحد نقل شده و در جامعه مطرح شده بود؛ بزرگانی مانند مرحوم آیه الله بروجردی بر این اعتقادند که انکار حجیت خبر واحد از باب تقیه عالمان شیعه در برابر اعتقادات نادرست برخی از صحابیانی که به خبر واحد نقل شده بود می باشد زیرا نپذیرفتن خبر آن صحابی در حکم فاسق شمردن آن صحابی محسوب می شد ( منتظری، ۱۳۷۳، ص ۵۲۲) بزرگان شیعه با این روش سعی بر حفظ عقاید شیعه و مواجهه با مخالفان را داشتند. در سخنان شیخ طوسی در عده الاصول نشانه هایی بر این نظر و اندیشه آیه الله بروجردی یافت می شود: « دلیل انکار حجیت خبر واحد در آن زمان دارای یک بعد کلامی بوده و متکلمان شیعه در مقام محاجه با مخالفان، به انکار حجیت خبر واحد می پرداخته اند تا خصم آنان نتواند با استناد به روایات خود

به تخطئه عقاید شیعیان پردازد» (معارف، ۱۳۷۶، ص ۵۲۲) دسته دوم دانشمندانی هستند که خبر واحد غیر محفوظ به قرینه قطعی را از باب ظن خاص می پذیرند، نظر مشهور در بین اصولیین از زمان شیخ طوسی به بعد، قبول حجیت خبر واحد از باب ظن خاص است که برای آن ادله متعددی از کتاب، سنت، اجماع و سیره عقلاء نقل می کنند.

### آراء مختلف علماء پیرامون حجیت خبر واحد تفسیری

بحث بعدی که به تبع بحث حجیت خبر واحد مطرح می شود و در بین اصولیین و غیر ایشان مطرح شده، پیرامون حجیت خبر واحد تفسیری است؛ یعنی آن دسته از کسانی که معتقد به حجیت خبر واحد هستند به دو گروه تقسیم می شوند. عده ای همچون آیه الله خویی (خویی، بی تا، ص ۳۹۹) و آیه الله معرفت (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۲۳) و فاضل لنکرانی (لنکرانی، ۱۴۲۸، ص ۱۷۴) حجیت خبر واحد را هم در زمینه احکام و مسائل فقهی می پذیرند و هم حجیت آن را در زمینه غیر فقهی و اصطلاحاً (خبر واحد تفسیری) قبول دارند و من جمله دلیل خود را در این زمینه سیره و بنای عقلاء دانسته و قائل به گستردگی بنای عقلاء در حجیت این دسته از اخبار واحد هستند، یعنی عقلاء در پذیرش خبر واحد با اثر شرعی و آنچه که دارای اثر شرعی نیست تفاوتی قائل نیستند.

گروه دیگر همچون سید مرتضی (علم الهدی، بی تا، ج ۱ ص ۲۱)، شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳، صص ۱۷ - ۱۸)، شیخ طوسی (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۷)، آخوند خراسانی (خراسانی، بی تا، صص ۳۲۹ - ۳۳۰)، میرزای نائینی (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۴) از جمله کسانی هستند که بین اخبار واحد فقهی و غیر فقهی تمایز قائلند و مخالف با حجیت (خبر واحد تفسیری) می باشند؛ این گروه صرفاً برای اخبار واحدی که در زمینه احکام شرعی مطرح شده و دارای اثر عملی هستند حجیت قائلند. بطور کلی علت پذیرش این دسته روایات را ظنی بودن آن می دانند زیرا اخبار واحدی که با شرایطی که برای قبول آن در نظر گرفته می شود ایجاد ظن می نماید و این در حالیست که در معارف اعتقادی که به نص قرآن کریم علم و قطع لازم است تکیه بر ظنون خاص امکان پذیر نمی باشد.

سخن علامه طباطبایی به عنوان یکی از مخالفین حجیت خبر واحد تفسیری در کتاب قرآن در اسلام چنین است: «در معارف اعتقادی که به نص قرآن، علم و قطع لازم است به خبر متواتر یا خبری که شواهد قطعی به صحت آن در دست است عمل می شود و به غیر این دو قسم که خبر واحد نامیده می شود، اعتباری نیست، ولی در استنباط احکام شرعی، نظر به ادله ای که اقامه شده علاوه بر خبر متواتر و قطعی به خبر واحد که نوعاً مورد وثوق باشد عمل می شود» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۸۵)

### ادله حجیت خبر واحد با توجه به نظرات امام خمینی

کسانی که حجیت خبر واحد را پذیرفته اند، برای اثبات مدعای خود، با استناد به قرآن کریم، روایات، اجماع، و بنای عقلاء، مدعای خود را اثبات می کنند که با اشاره اجمالی به هر کدام از این ادله نظر امام خمینی مطرح می گردد.

۱- قرآن کریم

۱-۱- آیه نبأ

(( یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بنیا فتبینوا ان تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین )) (قرآن: ۴۹ / ۶)

مهمترین آیه ای که موافقین حجیت خبر واحد به آن استناد می کنند آیه نبأ است علمای علم اصول به این آیه استدلال کرده و گفته اند این آیه به مقتضای مفهوم شرط، دلالت بر آن دارد، که اگر مخبر واحد، فاسق نبود و عادل بود سخنش حجت است، یعنی اگر شخصی عادل و راستگو خبری را آورد، دیگر احتیاجی به فحص و تبیین ندارد. (حیدری، بی تا، ص ۲۵۹؛ بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱؛ خراسانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۳) شیخ انصاری به این مطلب اشکال کرده و فرموده اند: در اینجا قضیه شرطیه مفهوم ندارد، زیرا این جزا، عقلا موقوف بر شرط است و مانند سالبه منتفی حکم و محمول به انتفای موضوع است، نه سالبه منتفی محمول که با وجود موضوع به واسطه انتفای شرط یا وصفی که مشروط بر معلق گشته است، محمول منتفی می شود». (بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱)

جناب آخوند خراسانی در پاسخ به شیخ انصاری این گونه ادعا می کنند که موضوع برای وجوب تبیین (طبیعی نبأ) است نه (نبأ فاسق)؛ و مشخص است که محقق شدن (طبیعی نبأ) متوقف بر آوردن نبأ، صرفا توسط شخص فاسق نخواهد بود؛ یعنی متوقف بر این نیست که خصوص شخص فاسق نبأ را بیاورد؛ بلکه اگر عادل هم خبر و نبأ را بیاورد عنوان (طبیعی نبأ) تحقق می یابد. زیرا موضوع (طبیعی نبأ) است، همچنین در آیه از کلمه نبأ به صورت (نبأ) یاد شده است که بصورت نکره ذکر شده و از این کلمه (طبیعی نبأ) فهمیده می شود. حال که مشخص شد که مراد از موضوع (طبیعی نبأ) است، نه صرفا (نبأ فاسق) نتیجه می شود که شرط در آیه شریفه - یعنی آمدن فاسق به نبأ - تنها راه برای تحقق موضوع یعنی (نبأ) نیست، بلکه برای تحقق موضوع شیوه دیگری نیز وجود دارد که آن آوردن خبر و نبأ توسط فرد عادل است و لذا اینگونه نیست که با انتفاء شرط موضوع هم منتفی شود. (خراسانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۳۱۴؛ بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲)

مرحوم امام معتقدند استدلال به مفهوم شرط در این آیه صحیح نمی باشد، چون اگر معتقد باشیم آیه دارای مفهوم است، در این صورت مفهوم آیه با تعلیلی که در انتهای آن ذکر شده (أن تصیبوا قوما بجهاله) (وجوب تبیین از خبر به دلیل آنکه از روی جهالت به کسی آسیب نرسد) متعارض خواهد بود چون جهالت که به معنای عدم علم به واقع است، می تواند هم در خبر فاسق و هم در خبر عادل واقع گردد؛ پس ظاهر علت مطرح شده در آیه (أن تصیبوا قوما بجهاله) ایجاب می کند که خبر عادل و فاسق، هر دو مورد تبیین قرار گیرد؛ بدین ترتیب بین مفهوم و معنای آیه با علتی که ذکر شده تعارض بوجود می آید، زیرا مفهوم آیه بیان می دارد تبیین لازم نیست اما تعلیل بیان می کند که تبیین واجب است، و این تعلیل از تخصیص ابا دارد یعنی نمی توان تعلیل را با مفهوم آیه تخصیص زد. (خامنه‌ای، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۸۴؛ قلی پور گیلانی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۱۶؛ کوهی، ۱۳۹۰، ش ۳، ص ۶۳) مرحوم امام دلالت این آیه را برای حجت دانستن خبر واحد کافی نمی دانند.

#### ۱-۲- آیه نفر

((و ما كان المومنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم إذا رجعوا اليهم)) (قرآن: ۹ / ۱۲۲) در باره (و ما كان المومنون لينفروا كافة) مفسران نقل می کنند که در ابتدای امر، که مردم روستاهای اطراف مدینه اسلام آوردند، برای آنکه احکام رسول الله (ص) را یاد بگیرند، کوچ کردند و به مدینه آمدند. نتیجه این کوچ، گرانی و قحطی شد و کارها نابسامان گردید. این آیه نازل شد و فرمود کوچ کردن و به مدینه آمدن برای

همه مردم لازم نیست. آنگاه فرمود (فلولا نفر من کل فرقه) از هر طایفه و جمعیت و قبیله ای یک گروه به مدینه بیایند و احکام را یاد بگیرند و پس از بازگشت، دیگران را از احکام شرعیه ای که یاد گرفتند بیابانها بیاورند: (ولینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون) از این آیه در می یابیم که خداوند سبحان می خواهد رحمت و عطف خود را شامل حال جامعه کند. طبع اولی امر، آن است که همه بروند و احکام خود را (علی سبیل الیقین) یاد بگیرند. اما چون لازمه این امر، عسر و حرج و اختلال در نظام است، مقرر می شود که جمعی عهده دار این امر گردند و آموخته های خود را به دیگران یاد بدهند. اگر خبر واحد حجت نبود، این کار - یعنی (ولینذروا قومهم) - چه ثمری داشت؟ اگر بنا بود که قوم، این افراد را تصدیق نکنند و به گفته آنها ترتیب اثر ندهند، رفتن و یاد گرفتن عده ای، بی ثمر بود پس به دلالت اقتضا، روشن می شود که این آیه دلالت بر حجیت خبر واحد دارد. (بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۲)

مرحوم امام در استدلال به آیه نفر در مجموع پنج اشکال را مطرح می نمایند که به اختصار به بعضی از آنها اشاره می شود. امام کلمه لعل در آیه را به معنای بیان علت (غایی برای ماقبل خود) نمی دانند و به آیه فلعلک باخع نفسک علی آثارهم إن لم یومنوا بهذا الحدیث أسفا (قرآن: ۱۸ / ۶) استشهاد می کنند. ایشان معتقدند کلمه تحذر علت غایی برای وجوب انذار نیست بلکه کلمه تحذر را، غایت برای نفر می دانند، در عین حالی که معتقدند آیه ظهور در معنای وجوب نفر ندارد تا از آن به وجوب تحذر رسید و در نهایت مرحوم امام این آیه را در بیان وجوب حجیت خبر واحد کافی نمی - دانند چنانکه وارد در بحث پیرامون آیات کتمان، سوال و اذن نیز نشده اند زیرا این آیات را در مقام بیان حجیت خبر واحد نمی دانند. (خمینی، ۱۴۲۷، ج ۱، صص ۳۰۸ - ۳۱۰)

## ۲- سنت

بدون شک استدلال به خبر واحدی که مجرد از هرگونه قرینه ای است، برای اثبات حجیت خبر واحد مجرد از قرینه صحیح نمی باشد؛ بدلیل آنکه این امر مستلزم دور است؛ یعنی مستلزم توقف شیء بر نفس خودش. مرحوم شیخ انصاری در کتاب رسائل برای حل این اشکال مطرح شده، بعد از طبقه بندی روایات آحادی که در زمینه حجیت خبر واحد وارد شده است، مانند دسته روایاتی که در باب خبر متعارض نقل شده (همچون مقبوله عمر بن حنظله و مشهوره ابن خدیجه و طایفه دیگری از روایات که در آنها امام به آحاد روایات ارجاع داده اند و یا دسته دیگری از روایات، که امام می - فرمایند به روایات و ثقات و علماء رجوع کنید) ادعای تواتر اجمالی می نماید و بدین شکل، اشکالی که در ابتدا در مورد تمسک جستن به سنت و روایات آحاد در اثبات حجیت خبر واحد مطرح شد، پاسخ می دهند؛ چنانکه آخوند خراسانی هم بدین شیوه استدلال نموده اند. (بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۲۳۲ - ۲۳۳؛ خراسانی، ۱۳۹۵، ج ۴، صص ۳۵۵ - ۳۵۶)

مرحوم امام تواتر اجمالی مطرح شده در این زمینه را قبول ندارند؛ زیرا از شروط تواتر این است که در هر طبقه ای متواتر باشد. ایشان معتقد است به فرض قبول تواتر اجمالی این امر در حجیت خبر واحد کمکی نمی کند «ما استدلوها بها من أخبار علی حجه الخبر الواحد مع کثرتها و تواترها اجمالا لا تدل علی جعل الحجیه و الطریقیه و الوسطیه فی الاثبات للخبر الواحد نعم یظهر من مجموعها أن حجیته کانت مفروغا عنها بین الراوی و المروی عنه» (خمینی، ۱۴۲۷، ج ۱، ۳۱۱) به فرض قبول تواتر اجمالی این اخبار، دلالت بر حجیت خبر واحد به معنای انشاء و جعل حجیت و طریقت و

وسطیت در این زمینه نمی کنند و تنها مطلبی که از این نوع روایات می توان بدست آورد این است که حجیت خبر ثقه امری مسلم و مفروغ عنه نزد امام و راوی بوده است، و امام در پی تاسیس حجیت خبر واحد نبوده است بلکه به خبر واحد مانند دیگر عقلاء عمل نموده است.

### ۳ - اجماع

مرحوم امام در کتاب *تنقیح الاصول* خود به صراحت استناد به اجماع را برای اثبات حجیت خبر واحد رد می کنند زیرا در برابر این اجماع، اجماع معارض سید مرتضی بر عدم حجیت خبر واحد نقل شده است؛ ثانيا، اجماع موافقین حجیت خبر واحد از نظر ایشان مدرکی بوده و واضح است برای حجیت خبر واحد به آیه نبأ و امثال آن استناد کرده اند. (خمینی، بی تا، ج ۳، صص ۱۹۰ - ۱۹۱)

### ۴ - بنای عقلاء

مرحوم امام بعد از بیان اشکالات به دلایل گذشته در استناد به حجیت خبر واحد و ناکافی دانستن آنها، عمده ترین و بهترین دلیل حجیت خبر واحد را بنای عقلاء می دانند: « فالعمدة فی حجیة أخبار الآحاد هو بناء العقلاء فی جميع الأعصار و الأمصار علی العمل بخبر الثقة فی جميع امورهم، و هو ممّا لا ریب فیهِ و لا إشکال، و أنّ عملهم هذا مستقرّ علی ذلك بما هم عقلاء، لا بما هم متشرّعة و مسلمون، بل هو كذلك قبل الإسلام، و كان هذا بمرأی و منظر من الشارع المقدّس و الأئمة علیهم السلام و لم یردعوا عنه، كما سیجیء، بل شارکوهم فی هذا البناء و العمل، و لا ریب فی أنّ بناءهم إنّما هو علی العمل بخبر مطلق الثقة. (خمینی، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۱) بدون شک بناء و سیره عقلاء در همه اعصار و ازمنه بر عمل به خبر ثقه در همه کارها و امورشان بوده است؛ و این سیره صرفا مختص به مسلمانان نبوده است، بلکه قبل از اسلام هم در بین مردم وجود داشته است؛ از طرفی دیگر این سیره عقلاء همیشه مد نظر حضرات معصومین (ع) بوده است و ایشان از این طریق و شیوه نهی نکرده اند، بلکه شیوه و بناء آنان هم این بوده است که به این سیره عقلاء عمل می کردند.

اما آیا باید گفت که بنای عقلاء، وقتی حجت است که از طرف شارع مقدس امضاء شده باشد و یا باید گفت نیاز به امضاء نیست و همین که شارع مقدس بناء و سیره ای را رد نکرد خودش دلیل بر امضاست و (عدم الردع دلیل علی الامضاء) (بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۶) عده ای در استفاده از سیره و بناء عقلاء ایراداتی مطرح نموده اند و در این زمینه به آیاتی چون (ان الظن لا یغنی من الحق شیئا) (قرآن: ۱۰ / ۳۶) و (و لا تقف ما لیس لک به علم) (قرآن: ۱۷ / ۳۶) استناد می کنند، که ظن و غیر علم نمی توانند ما را به حق برسانند و نمی بایست به آنچه که به آن علم نداریم عمل نماییم.

مرحوم امام به این اشکال اینگونه پاسخ می دهند، که چون این آیات به نحوقضیه حقیقه هستند، پس شامل خودشان هم می شود و چون این آیات خودشان از ظواهر محسوب می شوند به همین خاطر علم آور نخواهند بود بلکه ظنی هستند. بنا بر این به دلالت خودشان هم نباید عمل کرد، زیرا از تمسک به آیه، عدم تمسک به آن لازم می آید، که ضرورتا باطل است. یعنی یلزم من التمسک بها عدم جواز التمسک بها لرادعيتها لنفسها و هو باطل بالضرورة (خمینی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۱۴)



## حجیت خبر واحد تفسیری ( غیر فقهی ) از دیدگاه امام خمینی

همانطور که اشاره شد منظور از خبر واحد تفسیری روایاتی است که در غیر زمینه احکام و مسائل شرعی همچون معارف، علوم قرآن، روایات تاریخی، شأن نزول، مسائل عرفانی و تفسیری و هر آنچه که جنبه فقهی نداشته باشد مد نظر است. از آنجایی که روایات فراوانی از میراث اسلامی را اینگونه روایات تشکیل می دهند ضرورت بحث در این زمینه مشخص شده و مفید خواهد بود.

مرحوم امام بحث مستقل و جداگانه ای پیرامون حجیت خبر واحد تفسیری ندارند؛ آراء و نظرات ایشان در این زمینه در لابلای بحث های اصولی و تفسیری که در کتب خود چون *تنقیح الاصول*، *کشف الاسرار* و کتبی که پیرامون مباحث تفسیری ایشان گردآوری شده قابل بررسی و نتیجه گیری است. در بررسی کتب اصولی و تفسیری امام در باب حجیت خبر واحد تفسیری، ابتدا بنظر می رسد با دو دیدگاه تقریباً متفاوت در این زمینه مواجه خواهیم شد که با بیان هر دو دیدگاه و مستندات آن نتیجه نهایی که از نظر ایشان در این زمینه بدست می آید مطرح می گردد.

### دلایل عدم حجیت خبر واحد تفسیری از نظر امام خمینی

۱- امام در کتاب *کشف الاسرار* خود اخبار واحد را به دودسته روایت عملی و علمی تقسیم می کنند سخن ایشان چنین است: احادیثی که در دست ما است بر دو گونه است: یکی احادیثی است که جنبه عملی دارد یعنی احادیثی که پیرامون قانونهای اسلام وارد شده است و باید به آنها عمل شود مانند احادیثی که در عبادات و دستور آنها وارد است ... و دیگر احادیثی که جنبه عملی ندارد مانند تاریخ هایی که نقل شده و اخباری که راجع به فلکیات و جغرافیا و هیئت و امثال آن وارد شده است و بعبارت دیگر، احادیثی که فقط جنبه علمی دارد (خمینی، بی تا، ص ۳۱۸) سپس ایشان در ادامه چگونگی برخورد با این روایات ذکر می کنند: «علماء و فقهاء چنانکه در کتابهایشان نوشته اند احادیثی که از قبیل دسته دوم است که فقط جنبه تاریخی و علمی دارد اساساً حجت نمی دانند و مورد اعتناء و بررسی هم قرار ندادند و می گویند اینها اثری ندارد اگر آنها موافق علم و عقل شد که همان علم و عقل در کار است و اگر مخالف آن شد باید آنها را کنار گذاشت». (همان)

۲- مرحوم امام در بحث از حجیت خبر واحد در استناد به آیه نفر که اصولیان بدان در ادله قرآنی تمسک می جویند، ضمن بیان نظر آنان در این زمینه، اشکالاتی را مطرح می فرمایند؛ ایشان آیه نفر را برای اثبات حجیت خبر واحد کامل نمی دانند و یکی از اشکالاتی هم که بر استدلال آنها وارد دانسته اند، در مورد روایاتی است که در ذیل آیه نفر ذکر شده و اصولیان در اثبات نظر خود به آن استناد کرده اند ایشان چنین نقل می کنند: «و منها أن بعض الروایات الصادره عنهم علیه السلام يستفاد منها أن الأئمة الهداه قد استشهدوا بها علی لزوم النفر إلى تحصیل العلم بالإمام المقترض الطاعته بعد فوت إمام قبله» (خمینی، بی تا، ص ۱۲۷) یکی از این دلایل، اخباری است که از معصومان وارد شده و از آنها بدست می آید که ائمه علیهم السلام بر لزوم کوچ کردن بمنظور شناخت امام واجب الطاعه بعدی به این آیه استناد می نمودند؛ امام در رد این دلیلی که به آن استناد نموده اند ابراز می دارند: «و معلوم أن الاصول الاعتقادیه لا يعتمد فیها بخبر الثقة؛ مشخص است که در اصول اعتقادی نمی توان به خبر ثقة اعتماد نمود.» (همان) (کوهی، ۱۳۹۲، ص ۸۸) از این اشکال و پاسخ امام به وضوح مشخص می شود که ایشان در شناخت امام واجب الطاعه بعدی به خبر ثقة اعتماد

ندارند زیرا این مسئله، موضوعی است اعتقادی و به بیان دیگر، روایتی غیر فقهی است و ایشان روایات واحد تفسیری را در این زمینه نمی پذیرند.

۳- مرحوم امام در کتاب *ادب الصلاه* خود در مباحث مربوط به تفسیر به رأی به صراحت ابراز می دارند: «مطلق معارف، حق طلق عقول و از مختصات آن است» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰) مرحوم امام در این قسمت از سخن خود به صراحت معیار قبولی روایات در زمینه معارف، تفسیر، اعتقادات و بطور کلی روایات غیر فقهی را عقل می داند و تنها در آیات فقهی اخبار آحاد وارد شده را تعبدا می پذیرند. البته ادله دیگری هم وجود دارد که می توان به کتابهای اصولی ایشان مراجعه کرد.

### – دلایل حجیت خبر واحد تفسیری از نظر امام خمینی

نظر مرحوم امام بر حجیت خبر واحد تفسیری را بیشتر می توان در آثار عرفانی و تفسیری ایشان جستجو نمود. فراوانی استفاده از این نوع روایات در آثار امام در زمینه های مختلفی چون عینی کردن مفهوم آیه، تأویل آیات مصداق آیات و غیر آن بیانگر جایگاه خاص این روایات در نزد امام دارد، به اختصار به چند نمونه از سخن ایشان در اینباره اشاره می-شود.

۱- مرحوم امام در بحث پیرامون حجیت خبر (با واسطه) اینگونه اظهار نظر می نمایند که بنای عقلا و عرف در برخورد با اخبار با واسطه و بی واسطه، فرقی قائل نمی شوند و تنها دلیل حجیت خبر واحد را بنای قطعی عقلا بر عمل به خبر ثقه می دانند، «لا یلزم فی صحه التبعبد أن یکون له أثر عملی، بل الملائک فی صحته عدم لزوم اللغوئیه فی اعمال التبعبد أو إمضاه بناء العقلاء» (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۲) در این سخن، مرحوم امام به صراحت بیان می کنند که در صحت تبعد به خبر ضرورتی ندارد که روایت و خبر حتما دارای اثر عملی باشد و این بدین معناست که در صحت تبعد، لازم نیست که خبر و روایت خبر فقهی باشد بلکه خبر غیر فقهی را نیز شامل می شود. (کوهی، ۱۳۹۲، صص ۹۴-۹۵؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰، ش ۳، ص ۷۰)

۲- مرحوم امام در جایگاه های مختلفی از آثار عرفانی و تفسیری خود به مطالبی اشاره می کنند که دال بر حجیت خبر واحد تفسیری از نظر ایشان است، بطور مثال ایشان در توصیف قرآن کریم و نیاز به تفسیر آن با استفاده از اهل تفسیر و اشاره به عدم تأویل قرآن با اتکای به رأی خود می فرمایند: «ما به رأی خودمان نمی توانیم قرآن را تأویل کنیم ما باید (إنما يعرف القرآن من خوطب به) ما از طریق وحی و از طریق وابستگان به وحی قرآن را اخذ می کنیم و بحمدالله از آن راه غنی هستیم» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۴۲۳) که این خود نشان از قبول این چنین روایاتی در کلام ایشان است.

در جای دیگر مرحوم امام در پیشگفتاری که در توضیح حدیث جنود عقل و جهل دارند در مورد جایگاه اهل بیت علیهم السلام و مکاتبت احادیث ایشان می فرمایند: «احادیث شریفه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را که خلفای رحمان و خلاصه بنی الانسانند، روحانیت و نورانیتی است که در دیگر کلمات و احادیث یافت نشود، چه که آن از سرچشمه علم رحمانی و فیض سبحانی نازل، و دست تصرف هوا و نفس اماره از آن دور، و دیو پلید و شیطان

بعید از خیانت به آن محجور است، و نورانیت نفوس شریفه و طهارت ارواح لطیفه آن بزرگان دین و اولیاء یقین در کلام آنها جلوه نموده، بلکه نور کلام حق از گریبان احادیث آنها تجلی فرموده است.» (خمینی، ۱۳۸۲، ص ۴)

### دیدگاه برگزیده امام خمینی

هرچند در آثار تفسیری و عرفانی امام در عمل دیده می شود ایشان از روایات واحد تفسیری در مباحث خود استفاده می نمایند و توجه خاصی به مکانث روایات اهل بیت علیهم السلام دارند اما تصریح ایشان در کتب اصولی خود بر عدم حجیت خبر واحد تفسیری و همینطور صراحتی که در کتاب کشف الاسرار ابراز می دارند بنظر می آید قول نزدیک به صواب در این زمینه تمایل مرحوم امام به عدم حجیت خبر واحد تفسیری است و از نظر ایشان پذیرش این دسته از روایات مبتنی بر عقل است و در جایگاه های متعددی به این امر چنان که گذشت تصریح می نمایند.

### نتیجه

اکثر علما از زمان شیخ طوسی به بعد قائل به حجیت خبر واحد شده اند؛ تا جایی که بر این امر ادعای اجماع شده است. اغلب دانشمندان برای اثبات مدعای خود به ادله اربعه، قرآن کریم (آیه نبأ و نفر)، روایات (سنت)، اجماع، سیره و بنای عقلاء تمسک جسته اند. مرحوم امام نیز از جمله علمایی اند که قائل به حجیت خبر واحد هستند، منتهی بر ادله مطرح شده در این زمینه اشکالاتی را مطرح نموده اند. از نظر مرحوم امام هیچ کدام از ادله مطرح شده بغیر از بنای عقلاء کافی در اثبات حجیت خبر واحد نیستند. ایشان در بحث های خود میان روایات فقهی (عملی) و غیر فقهی (روایات تفسیری یا همان علمی) تفاوت قائل شده اند و در کتب اصولی خود، تصریح بر عدم حجیت خبر واحد تفسیری نموده اند؛ البته ایشان در آثار تفسیری و عرفانی خود با اشاره به جایگاه اهل بیت علیهم السلام و روایات ایشان از این روایات در مباحث علمی خود استفاده نموده اند و در عمل، قائل به پذیرش روایات تفسیری نیز شده اند، هرچند باید توجه داشت که در همین موارد چنین نیست که صرفاً به ظواهر نصوص اعتماد کنند. در مجموع بنظر می رسد نظر ایشان در قبول قطعی خبر واحد تفسیری، به لحاظ اصولی، صریح تر است.

### منابع

— قرآن کریم

- ۱- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، اسماعیلیان، قم.
- ۲- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴، معجم المقاییس اللغه، محقق، هارون عبدالسلام، کتابخانه الأعلام الاسلامی، قم.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۳، لسان العرب، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
- ۴- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۹، فرائد الاصول، چهارمجلد، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
- ۵- بجنوردی، محمد، ۱۳۷۱، مقالات اصولی، چاپ سوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- ۶- -----، ۱۳۸۵، علم اصول، انتشارات مجد، تهران.

- ۷- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، محقق عطار احمد، دارالعلم للملایین، بیروت.
- ۸- حیدری، علی نقی، اصول استنباط، بی تا، شرح عباس زراعت، انتشارات حقوق اسلامی، تهران.
- ۹- خراسانی، محمد کاظم، بی تا، کفایه الاصول، موسسه آل البيت لإحياء التراث، قم.
- ۱۰- خراسانی، محمد کاظم، ۱۳۹۵، کفایه الاصول، شرح باقر ایروانی، پنج مجلد، انتشارات نصایح، قم.
- ۱۱- خمینی، روح الله، بی تا، تنقیح الاصول، تحقیق اشتهااردی، ناشر الشیخ محمد القوانینی، بی جا
- ۱۲- -----، تهذیب الاصول، بی تا، تقریر جعفر سبحانی، دو مجلد، موسسه نشر اسلامی، قم
- ۱۳- -----، ۱۳۷۸، آداب الصلوات، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۴- -----، ۱۳۷۸، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۵- -----، ۱۳۸۲، شرح جنود عقل و جهل، نوبت هفتم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۱۶- -----، ۱۴۲۷، انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه، دو جلد، نوبت سوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۷- خوانساری، محمد، ۱۳۷۹، منطق صوری، دو جلد، چاپ سی و سه، انتشارات آگاه، تهران.
- ۱۸- خویی، ابوالقاسم، ۱۴۲۲، مصباح الاصول، دو جلد، تقریر واعظ حسینی نشر موسسه احیاء آثار خویی، قم.
- ۱۹- -----، بی تا، البیان فی تفسیر القرآن، دار الزهراء، بیروت.
- ۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۵، مفردات الفاظ قرآن، دار القلم، دمشق.
- ۲۱- زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴، تاج العروس، تحقیق علی بشیری، دارالفکر، بیروت.
- ۲۲- سبحانی، جعفر، ۱۴۲۴، اصول الحدیث و احکامه، چاپ سوم، موسسه الامام الصادق ع، قم.
- ۲۳- شانه چی، کاظم، ۱۳۶۸، علم الحدیث و درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۲۴- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۸، قرآن در اسلام، بوستان کتاب، قم.
- ۲۵- طوسی، محمد، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، هفت جلد، احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۲۶- عاملی، زین الدین، ۱۳۶۷، الرعايه للعلم الدرایه، تحقیق عبدالحسین محمد علی البقال، کتابخانه ایه الله مرعشی نجفی، قم.
- ۲۷- -----، الدرایه فی علم المصطلح الحدیث، بی تا، کتابخانه مفید، قم.

- ۲۸ - عاملی، حسن، بی تا، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، محقق منذر الحکیم، ۲ ج، موسسه الفقه للطباعه و النشر، کتابخانه باقری.
- ۲۹ - علم الهدی، مرتضی، بی تا، رسائل الشریف المرتضی، دارالقرآن الکریم، قم.
- ۳۰ - فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۴، معجم المقایس اللغه، محقق هارون عبد السلام محمد، کتابخانه الاعلام الاسلامی، قم.
- ۳۱ - فضلی، عبدالهادی، ۱۴۲۱، اصول الحدیث، چاپ سوم، بیروت. چاپ ۲، دار الهجره، قم.
- ۳۲ - فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴، المصباح المنیر، چاپ دوم، دارالهجره، قم.
- ۳۳ - قلی پور گیلانی، مسلم، ۱۳۹۴، تدوین نموداری کفایه الاصول، دو مجلد، چاپ هفتم، موسسه عروج، تهران.
- ۳۴ - کوهی، علیرضا، ۱۳۹۲، امام خمینی و روایات تفسیری، موسسه عروج، تهران.
- ۳۵ - لنکرانی، فاضل، ۱۴۲۸، مدخل التفسیر، نوبت چهارم، مرکز فقه ائمه، قم.
- ۳۶ - مامقانی، عبدالله، ۱۳۶۹، مقاس الهدایه، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران.
- ۳۷ - مظفر محمد رضا، ۱۴۲۱، اصول الفقه، چاپ دوم، منشورات فیروز ابادی، قم.
- ۳۸ - -----، ۱۳۸۷، منطق، شرح رائد الحیدری، دو جلد، نشر ذوی القربی، قم.
- ۳۹ - معارف، مجید، ۱۳۷۶، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، چاپ دوم، موسسه فرهنگی و هنری ضریح، تهران.
- ۴۰ - معرفت، محمد هادی، ۱۳۷۹، تفسیر و مفسران، ۲ جلد، موسسه فرهنگی تمهید، قم.
- ۴۱ - مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، المسح علی الرجلین، کنگره هزاره شیخ مفید، قم.
- ۴۲ - منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۳، نهاییه الاصول، نشر تفکر، قم.

#### فهرست مقالات

- ۱ - دیاری بیگدلی، محمد تقی، ۱۳۹۰، بررسی مبنای امام خمینی در حجیت روایات فقهی و تفسیری، فصلنامه پژوهشی کتاب قیم، شماره ۳، میبد.
- ۲ - اویسی، کامران، ۱۳۹۸، بررسی تطبیقی قلمرو حجیت روایات تفسیری با تاکید بر دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی، پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۱، قم.